

## نقش مردان در تأمین امنیت اقتصادی زنان از دیدگاه اسلام

مرضیه قدیری نوش آبادی\*

فاطمه مرشدی بیدگلی\*\*

### چکیده

یکی از موضوعات مهم در سبک زندگی اسلامی، نقش زنان در خانواده است. با وجود اهمیت فوق العاده نقش زنان در اسلام، کافی نبودن حمایت های اقتصادی از آنان سبب کم رنگ شدن نقش آنان در خانواده و معضلی اجتماعی برای جامعه تبدیل شده است. گرچه خانه داری نقش اصلی زنان دانسته می شود و این فعالیت در ظاهر ارزش اقتصادی ندارد؛ ولی بر اساس این تحقیق در فقه شیعه، تحقق امنیت اقتصادی زنان از سوی مردان با تکلیف الهی است که بر گردن آنها نهاده شده است. در این تحقیق با روش توصیفی، دلایل و دیدگاه های مطرح شده در فقه با استفاده از آیات و روایات و ترسیم نقش مطلوب زن در خانواده، تلاش شده است مدلی پیشنهادی و نظام مند برای امنیت اقتصادی زنان در اسلام به دست آید. در فقه شیعه سازه هایی با کارکرد تأمین اقتصادی زنان در خانواده وجود دارد که مهم ترین آن نفقه، مهریه، مزد شیردهی و ارث است. **کلیدواژگان:** مردان، امنیت اقتصادی، زنان، خانواده.

\* دانش آموخته رشته رشته مشاوره خانواده با رویکرد اسلامی، طلبه سطح ۳ (نویسنده مسئول)، nain.zax.0099@gmail.com.

\*\* دانش آموخته سطح ۴ تفسیر تطبیقی.

## مقدمه

خانواده کهن‌ترین، مهم‌ترین و کوچک‌ترین واحد جامعه انسانی است. تأثیر این نهاد مهم در جامعه به گونه‌ای است که اندیشمندان یکی از دلایل اساسی توسعه جرایم در جامعه را سستی این نهاد مهم می‌دانند. متأسفانه امروزه خانواده‌ها دارای تلاطم‌ها و تحولات بسیاری شده‌اند که عمده این تنش‌ها به محور اصلی خانواده و زنجیره اتصال اعضای آن، یعنی زن باز می‌گردد.

شخصیت و جایگاه زنان در جامعه یکی از مهم‌ترین مباحث در حوزه علوم انسانی است؛ به گونه‌ای که مسائل مربوط به زنان از مهم‌ترین چالش‌های فکری اندیشمندان بوده است. در سال‌های اخیر توجه روزافزونی به جایگاه زنان در جوامع مختلف شده است و به تبع آن پیشرفت‌های چشمگیری در وضعیت زنان سراسر جهان به دست آمده است؛ از این‌رو یکی از مسائل مورد توجه اندیشمندان، جایگاه زنان در خانه و جامعه است. امنیت مالی زن در حفظ آرامش وی درون خانواده تأثیر بسیاری دارد و موجب حفظ یکپارچگی و ثبات خانواده می‌شود. زنان مسلمان می‌توانند از همه مواهب اجتماعی و اقتصادی برخوردار باشند. از نظر اسلام، زنان حقوق اقتصادی متعددی دارند و بر این اساس در توسعه اقتصادی جامعه ایفای نقش می‌کنند. هدف از این تحقیق، آشنایی زنان با منابع اقتصادی خود است تا امنیت روانی داشته باشند و بتوانند بر خانواده و اعضای آن تأثیرگذار باشند.

پژوهش‌های متعددی در سال‌های اخیر نزدیک و مرتبط با موضوع این پژوهش انجام شده است؛ ولی هر کدام ابعادی را بررسی می‌کنند که متمایز از دیگر آثار انجام‌شده است؛ از جمله کتاب حقوق زن و خانواده نوشته حسین حکمت‌نیا که نویسنده، حقوق و امنیت زن در خانواده را بررسی می‌کند. کتاب زن در قرآن مجموعه دیدگاه‌ها و تحقیقات علامه سیدمحمدحسین طباطبایی درباره زن و خانواده است؛ ایشان که تفسیر جامع و نافع بر قرآن کریم نوشته‌اند، بسیاری از مسائل فقهی و اخلاقی که درباره بانوان مطرح شده است را به تناسب آیات مطرح کرده‌اند. احساس امنیت بین زنان به طور جداگانه موضوع تحقیقات مختلفی بوده‌اند؛ اما در این پژوهش به تکالیف الزام‌آور مرد در خصوص امنیت اقتصادی زن پرداخته‌ایم.

## ۱. مفهوم‌شناسی

### ۱-۱. امنیت

امنیت در لغت به معنای درامان بودن، بی‌بیمی، آسایش و بی‌هراسی است (دهخدا، ۱۳۵۴: ص ۵۰۰). همچنین از ریشه امن به معنای درامان بودن و مصون بودن از هرگونه تعرض و بودن در آرامش و

آسودگی است (قرشی، ۱۳۵۲: ص ۵۶). در فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی، امنیت به «بی خطر کردن، تأمین کردن، امن کردن، در امان نگهداشتن، با اطمینان کردن» تعریف شده است (نوروزی خیابانی، ۱۳۷۴: ص ۹۰). می توان گفت امنیت، پدیده ای ادراکی و احساسی است؛ یعنی برای تحقق آن باید این اطمینان در ذهن توده مردم و دولت مردان و زمامداران و تصمیم گیرندگان به وجود آید که ایمنی لازم برای ادامه زندگی بدون دغدغه وجود دارد (خوش فر، ۱۳۷۸: ص ۹۶).

## ۲-۱. اقتصاد

اقتصاد در لغت به معنای میانجی شدن، میانگی کردن، میانه نگاه داشتن، به اندازه خرج کردن، حفظ تعادل دخل و خرج، میان کاری، میانه روی در هر کاری، خرج کردن به اندازه آمده است (معین، ۱۳۶۳: ص ۱۷۸). این واژه در زبان واژه شناسان از ماده «قصد» در معنای رفتن، روان شدن، قصد چیزی یا کسی را کردن، خواستن، نیت کردن، در اندیشه کاری بودن و امثال آن به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۵۴: ص ۵۴۴). همچنین اقتصاد به معنای اعتدال و میانه روی آمده است (طریحی، ۱۳۶۰: ص ۱۲۷). خلیل بن احمد فراهیدی در العین در مفهوم «اقتصاد» گفته است: «قصد به معنای استقامه الطریق، یعنی پایداری در راه است. میانه روی در زندگی اقتصادی آن است که نه اسراف کند و نه "تقصیر" و سخت گیری کند» (فراهیدی، ۱۹۲۰: ص ۵۴). راغب هم در مفردات می گوید: «اقتصاد به معنای اعتدال در امور بدون افراط و تفریط به تناسب هر موضوع است (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲: ص ۶۷۲). اقتصاد در اصطلاح اقتصاددانان، دانش بررسی رویدادهای اقتصادی در زمینه تولید، توزیع و مصرف است (نظری، ۱۳۹۶: ص ۳۹). استوارت میل نیز بیان می کند: «اقتصاد بررسی ماهیت ثروت از طریق قوانین تولید و توزیع می باشد» (لویس، ۱۳۶۶: ص ۸). بنابراین علم اقتصاد، دانشی است که به تخصیص بهینه کالاها و فرآورده ها می پردازد؛ علمی که به تشریح حیات اقتصادی و پدیده های آن و ارتباطشان با عوامل کلی آنها توجه دارد.

## ۳-۱. امنیت اقتصادی

باری بوزان - استاد بین المللی اقتصاد - معتقد است امنیت اقتصادی فرد تنها به شرایط زیستی محدود نمی شود، بلکه تأمین این امنیت به معنای حفظ سطح مشخصی از استاندارد زندگی است؛ برای نمونه اشتغال یا حق حداقل دستمزد را باید از شرایط ضروری امنیت اقتصادی بدانید (بوزان، ۱۴۰۲: ص ۷۶). تأمین اقتصادی در رأس ضرورت های بشر است؛ تا آنجا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

می‌فرماید: «پروردگارا، بین ملت ما و نان به معنای اقتصاد فاصله نینداز؛ چراکه اگر اقتصاد نبود، نماز و روزه نمی‌خواندیم و دیگر فرایض را نیز به جا نمی‌آوردیم» (کلینی، ۱۳۷۶: ج ۶، ص ۲۷۸).

#### ۴-۱. خانواده

خانواده در جوامع انسانی به گروهی از افراد گفته می‌شود که با یکدیگر از طریق هم‌خونی، تمایل سببی یا مکان زندگی مشترک، وابستگی دارند. به بیان دیگر خانواده یا خانوار به گروه دو یا چند نفره‌ای گفته می‌شود که با هم زندگی می‌کنند، درآمد مشترک برای غذا و دیگر ضرورت‌های زندگی دارند و از طریق خون، فرزندخواندگی یا ازدواج با هم نسبت دارند. در یک خانواده ممکن است یک یا چند خانواده زندگی کنند (نجاریان، ۱۳۷۵: ص ۱۹). انسان‌شناسان به طور کلی نهاد خانواده را این طور طبقه‌بندی می‌کنند: مادر تباری، مادر و فرزندان او، زن‌شویی زن و شوهر و فرزندان که خانواده هسته‌ای نیز خوانده می‌شود و خانواده گسترده یا هم‌خونی که در آن پدر و مادر و فرزندان با افراد دیگر مانند خویشاوندان در مکان مشترکی زندگی می‌کنند (اعزازی، ۱۳۸۹: ص ۶۲).

در برخی جوامع مفاهیم دیگری از خانواده وجود دارد که روابط سنتی خانواده را کنار گذاشته‌اند. خانواده در جایگاه یک واحد اجتماعی جامعه‌پذیری در جامعه‌شناسی خانواده مورد بررسی قرار می‌گیرد. اهداف خانواده و اقتضای تأسیس آن ایجاب می‌کند که بانیان آن یعنی زن و شوهر در تحکیم و پایداری این بنا، نهایت سعی خود را انجام دهند و با همان انگیزه که بر تشکیل آن اقدام کردند، بر دوام آن اصرار ورزند تا وحدت و پویایی این نهاد تا پایان حفظ شود (موسوی بیگی، ۱۳۹۷: ص ۵۴). بنابراین برای ایجاد امنیت اقتصادی زن در خانواده لازم است که مرد وزن اصول و قوانینی را رعایت کنند و به آنها متعهد شوند که در ادامه به بررسی این قوانین پرداخته می‌شود.

#### ۲. رعایت حقوق مالی زن

در خانواده نقش‌های مختلفی وجود دارد که هر کدام از این نقش‌ها را با توجه به ویژگی‌شان یک یا چند نفر از اعضای خانواده بر عهده می‌گیرند. مرد در فقه شیعه تعهداتی مالی در برابر همسر خویش دارد که می‌تواند با عنوان ابزارهای تأمین اقتصادی زنان بررسی شود. از نظر اسلام، زن باید بدون داشتن دغدغه‌های مالی و اجتماعی، با فراغ بال و آرامش، مدیریت داخلی خانواده را

انجام دهد و مرد موظف است تمامی نیازهای اقتصادی خانواده را تأمین کند. بنابراین زن به واسطه نقش مؤثری که در نیل به اهداف خانواده دارد، از حمایت‌های مالی ویژه‌ای چون نفقه، مهریه و اجرت شیردهی برخوردار است (آذربایجانی، ۱۳۸۸: ص ۹۲).

## ۲-۱. مهریه

مهریه از امور باارزشی است که از جانب زوج به همسرش داده می‌شود. زن پس از ازدواج، مالک مهریه است و می‌تواند در آن هرگونه تصرفی انجام دهد. با توجه به اینکه مهریه در ادیان وجود دارد و در بیشتر موارد یک منبع مالی برای زن به شمار می‌رود، می‌توان آن را یکی از مصادیق امنیت مالی برای زن در نظر گرفت. یکی از تعابیر لطیف قرآن برای مهریه، واژه «صَدَقَاتِهِنَّ» (نساء: ۴) است؛ بدین معنا که مهریه نرخ زن نیست، بلکه نشانه صداقت مرد در علاقه و دوستی به همسر است. صدق در اصل از صدق، دلالت بر قوتی می‌کند که داخل شیء است، چه از نظر قول و چه غیر قول. صدق زن از آن جهت که قوت و قدرت در آن است، صدق نامیده می‌شود؛ چراکه آن قدرت، حقی الزام‌آور است (ابن زکریا، ۱۴۲۲: ص ۵۶۵). تعبیر لطیف «صدق» و «نحله» نشان‌دهنده ادب و حیا در کلام الهی و نیز تکریم و تجلیل زنان و ناموس آنان است تا کسی نپندارد امر مقدس ازدواج نوعی خریدوفروش است و زن خود را در ازای مهریه در اختیار شوهر می‌گذارد. بضع زن و ناموس مرد متعلق به خداست و در نکاح، زن چیزی را به شوهر تملیک نمی‌کند تا مهریه عوض آن باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ج ۱۷، ص ۳۰۵). بنابراین مهریه را می‌توان چنین تعریف کرد: «در عقد ازدواج دائم، زوج باید چیزی را که دارای ارزش مالی باشد، از مال و دارایی خویش به زوجه واگذار کند و این مقدار از مال یا ملک که به زن داده می‌شود را مهر می‌نامند و در فارسی از آن به کابین تعبیر می‌کنند؛ خواه عین باشد، مانند پول، خانه، طلا و نقره و خواه منفعت باشد و اگر زوج تعلیم صنعتی حلال یا سوره‌ای از قرآن غیر از سوره حمد و سوره دیگری که تعلیم آن واجب باشد یا تعلیم خود قرآن را مهر زوجه قرار دهد، صحیح خواهد بود» (محقق، ۱۳۶۰: ص ۳۱۵).

برخی از فقیهان عقد نکاح دائم را عقدی معاوضی می‌دانند که در آن مهریه عوض بضع دانسته می‌شود؛ اما عده‌ای دیگر نکاح را عقدی غیر معاوضی معرفی می‌کنند و مهر را هدیه‌ای الزامی از جانب زوج به زوجه می‌انگارند (بحرانی، ۱۴۰۵: ص ۴۵۵). دیدگاه اول، جنبه معاوضه و

معامله و ماهیت اقتصادی به نکاح می‌دهد؛ در حالی که دیدگاه دوم، برای اثبات محبت مرد به زن است و روح ارزشی به نکاح می‌بخشد. مشهور فقیهان از جمله صاحب جامع المدارك (خوانساری، ۱۴۰۵: ص ۴۲۴) معتقدند مهر ماهیت معاوضی ندارد، بلکه هدیه‌ای است از طرف زوج به زوجه. تعبیر قرآن کریم از مهریه، «صداق» به معنای صداقت زوج در ابراز علاقه‌مندی به زوجه است. همچنین بیشتر مفسران تعبیر «نحله» در قرآن را به معنای عطیه‌ای مجانی لحاظ کرده‌اند که در مقابلش ثمنی نباشد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ص ۱۶۹).

بررسی و تحلیل ماهیت مهریه نشان می‌دهد که مهریه با هدف تأمین اقتصادی زنان تشریع نشده است؛ اگرچه منع شرعی برای استفاده از آن برای تأمین اقتصادی وجود ندارد. مهریه به دلیل مالیت داشتن، می‌تواند کارکرد تأمین اقتصادی داشته باشد و اتفاقاً امروزه در جامعه ایران نگاه اقتصادی به مهر در حال ترویج است و تعیین مقدار مهریه در ازدواج به چالشی میان خانواده‌ها تبدیل شده است. بدیهی است که زن می‌تواند از مهر برای تأمین اقتصادی خود استفاده کند؛ اما کاربرد و کارکرد ماهیتی دو مقوله جداست. فلسفه وضع مهر، جنبه ارزشی آن است؛ بنابراین با مادی تلقی کردن کارکرد مهر، آن هدفی که مهر برای آن وضع شده، از بین می‌رود. بر اساس نظر مشهور فقیهان بلکه بر اساس اجماع عالمان، مهریه در نکاح لازم است چه در عقد دائم یا ازدواج موقت؛ اما تفاوت در این است که در ازدواج موقت اگر مهر مشخص نشود، عقد باطل می‌شود؛ ولی در ازدواج دائم عقد باطل نمی‌شود و مهرالمثل بر عهده شوهر می‌آید. صاحب جواهر در توضیح این تفاوت می‌گوید: «در ازدواج دائم، غرض اصلی بقای نسل و تشکیل خانواده و تربیت فرزند است؛ اما در متعه، غرض اصلی و غالبی استمتاع و لذت جویی است؛ از این رو باید مانند عقد اجاره، اجرت و عوض حتماً مشخص شود (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳، ص ۱۶۲).

خداوند متعال در آیات متعددی به مسئله مهریه اشاره می‌کند؛ از جمله «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً: و هنگام ازدواج، مهر زنان را که بخشی از سوی شما به آنان است، بپردازید» (نساء: ۴). «آتوا» فعل امر به معنای «أعطوا» است که در مخاطب آن دو احتمال وجود دارد: یکی شوهران و دیگری اولیا. طبرسی احتمال نخست را با ظاهر آیه موافق دانسته است (طبرسی، [بی‌تا]: ج ۳، ص ۱۶). «صدقات» جمع صدقه، به معنای مهر و چیزی است که زوج هنگام ازدواج به همسرش پیشکش می‌کند. اضافه آن به ضمیر «هن» دلیل بر اختصاص و مالکیت زن بر صداق

دارد (حلی، ۱۳۸۷: ج ۷، ص ۱۵۹). این آیه خطاب به هرکدام از دو گروه پیش گفته باشد، بر وجوب پرداخت مهریه به زنان دلالت دارد. بنابراین بر اولیا یا شوهران واجب است مهریه زنان را در اختیارشان بگذارند. این خطاب افزون بر اثبات استحقاق زن بر مهر، استقلال او را در تصرف نیز بیان می‌کند؛ زیرا لازمه وجوب پرداخت مهریه و قرارداد آن در اختیار زن، جواز هرگونه تصرف در آن است.

همچنین در آیه دیگری آمده است: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً: زنانی را که متعه می‌کنید [به عقد موقت خود در می‌آورید]، مهرشان را بدهید که بر شما واجب است» (نساء: ۲۴). «أُجُور» جمع أجر و در این آیه، عین یا منفعتی است که مرد در ازدواج موقت به زن می‌پردازد. اضافه «أُجُور» به «هُنَّ»، دلیل بر اختصاص آن به زن و مالکیت وی بر مهر است. امر «آتُوهُنَّ»، خطاب به مردانی است که قصد ازدواج موقت دارند و آنان را موظف می‌کند مال یا منفعتی که برای زن منظور می‌کنند را به وی بپردازند. امر به پرداخت اموال زنان به خودشان، مستلزم جواز تصرف آنها در آن است. بنابراین امر در این آیه افزون بر اثبات مالکیت زن بر مهر، استقلال وی را در اداره آن نیز اثبات می‌کند (طاهری‌نیا، ۱۳۸۹: ص ۲۲۷-۲۲۸).

در روایات نیز آمده است که مهریه حدی ندارد و مهم توافق طرفین بر سر آن است (حرعاملی، ۱۴۱۲: ج ۱۵، باب ۱). از مجموع روایات و آیات درباره مهریه می‌توان استفاده کرد که در مهریه هم به هدیه و پیشکش بودن و صداقت شوهر نسبت به زن و میل او و هم به پاداش و هزینه وقت و زحمت و بهره‌گیری از زن توجه شده است.

عبارت «فَإِنْ طِبْنَ ... هَنِيئًا» در ادامه آیه «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا» در راستای مالکیت زن بر مهریه و حفظ امنیت مالی وی توجه به این امر نیز مهم است که گاهی بخشش با رضایت قلبی همراه نیست و بر اثر عواطف و احساسات زودگذر است؛ از این رو می‌فرماید: «اگر بخشش زنان با رضایت قلبی و طیب نفس بود» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ج ۱۷، ص ۳۰۶) و نشان‌دهنده آن است که مال‌گوارا مالی است که صاحبش آن را با طیب خاطر و رضایت ببخشد و رضایت ظاهری کافی نیست، بلکه رضایت قلبی لازم است. بخشش‌های اکراهی، اجباری یا رودربایستی اعتبار ندارد؛ بنابراین زنان تحت تأثیر عواطف همه مهر خود را نبخشند (قرائی، ۱۳۹۷: ج ۲، ص ۳۲).

باز پس گرفتن مهریه با زور و اجبار حرام است. به این مطلب در این آیه اشاره شده است: «لَا

تَعْصُلُوهُنَّ لِتَذَهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْنَهُنَّ» (نساء: ۱۹) و تنها در صورتی که زن در معرض بی‌عفتی باشد، مرد حق سخت‌گیری دارد: «لَا تَعْصُلُوهُنَّ... إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ» (قرآنی، ۱۳۹۷: ج ۲، ص ۳۸). این مهم به هنگام ازدواج مجدد مرد پررنگ‌تر می‌شود و خداوند در آیه بعد به آن سفارش اکید دارد: «وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا تَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِنَّمَا مُبِينًا»؛ چراکه قرین شدن واژه «استبدال با واژه اراده بدین معناست که از وقتی اندیشه تبدیل همسر در ذهن مرد می‌گذرد و قبل از عمل باید به فکر پرداخت مهریه همسر اول باشد» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ج ۱۸، ص ۱۷۴). در تفسیر مجمع البیان در رابطه با این آیه آمده است چون زن پیر یا زشت است، شوهر او را اذیت می‌کند تا مالی به شوهر داده طلاق بگیرد؛ در این صورت بر مرد جایز نیست که چیزی از زن بگیرد (طبرسی، [بی‌تا]: ج ۳، ص ۱۵). وجود تأکیدهای متناوب در قرآن نه تنها بیان می‌کند که زن در قوانین اسلامی حق مالکیت دارد و مهریه بی‌کم‌وکاست باید به او تحویل شود، بلکه اسلام حامی حقوق زن است و ازدواج دوم را به قیمت ضایع کردن حق همسر اول منع می‌کند. سپس خداوند در آیه بعد به تأکیدهای خود ادامه می‌دهد و به مسائل عاطفی متمسک می‌شود و می‌فرماید: «و چگونه آن مال را پس می‌گیرید، درحالی‌که هر یک از شما از دیگری کام گرفته‌اید و همسرانتان از شما هنگام ازدواج، برای پرداخت مهریه پیمان محکم گرفته‌اند» (قرآنی، ۱۳۹۷: ج ۲، ص ۴۰). بنابراین خدای متعال در تبیین نهی از تصرف در مهریه زن به نکته‌ای اخلاقی و تربیتی اشاره و با یادآوری فضای مهر و محبت و دوران خوش گذشته، احساسات و عواطف مردان را برانگیخته و می‌فرماید: چگونه به خود اجازه پایمال کردن حقوق همسران را می‌دهید؟ (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ج ۱۸، ص ۱۷۶).

از مسائل مهریه می‌توان به این مطلب اشاره کرد مذاهب اسلامی اتفاق نظر دارند بر اینکه زن حق دارد تمام مهر خود را که نقد است، به محض انشای عقد مطالبه کند و نیز حق دارد از تمکین خودداری کند تا مهریه خود را بگیرد؛ پس اگر زن قبل از اینکه مهرش را بگیرد، به میل خود تمکین کرد، به اتفاق همه عالمان بعداً حق امتناع ندارد؛ جز ابوحنیفه که گفته است: «زن می‌تواند پس از تسلیم به مرد باز امتناع کند، همه مذاهب قائل اند اگر پیش از اینکه مهر خود را بگیرد، امتناع کرد، حق نفقه بر مرد دارد؛ زیرا امتناع او در این حال با مجوز شرعی است. ولی اگر پس از تمکین یا بعد از اخذ مهریه امتناع کرد، نفقه نزد همه جز ابوحنیفه ساقط است» (مغنیه، ۱۴۲۹: ج ۲، ص ۸۶-۸۷). بنابراین مهریه در اسلام منبع مهم اقتصادی است که برای امنیت مالی زن تعبیه شده است و او می‌تواند از آن در شرایط متفاوت استفاده کند.



## ۲-۲. نفقه

برای تعریف نفقه زوجه، حقیقت شرعیه وجود ندارد، بلکه شرع محدوده آن را به عرف واگذار کرده است (مغنیه، ۱۴۲۹: ج ۲، ص ۳۱۳). نفقه زن در صورت وجود شرایطی بر مرد واجب است و در اصل بین فقیهان اسلام اختلافی دیده نمی‌شود (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۱، ص ۳۰۱). بر اساس تعالیم دینی، مخارج اقتصادی زوجه به عهده زوج خواهد بود که از آن به نفقه نام برده می‌شود. به طور کلی نفقه شامل موارد مختلفی همچون محل سکونت، خوراک و پوشاک می‌شود. نفقه مفرد نفقات به معنای درهم‌ها و غیر آن است که پرداخته می‌شود و در اصطلاح مالی است که برای تأمین ضروریات زندگی و بقا، لازم و واجب است (حسینی دشتی، ۱۳۷۹: ج ۸، ص ۵۳۶). همچنین هزینه خرج هرروزه، مالی که صرف خویشتن یا عیال خود کنند را نفقه گویند. آنهایی که نفقه‌شان بر شخص واجب است، عبارت‌اند از: زوجه دائم، پدر، مادر، فرزند و مملوک چه انسان باشد یا حیوان. در نفقه زوجه شرط است که ناشزه نباشد و در اختیار همسر باشد و اگر زوج از نفقه همسر ناتوان بود، به ذمه‌اش باقی می‌ماند؛ به خلاف اقارب که اگر نداشت، افزون بر اینکه تکلیفی در این باره ندارد، مدیون هم نیست. نفقه مطلقه رجعیه نیز تا هنگامی که در عده است، بر زوج است. مخارج سفر زوجه برای ضرورت شخصی مانند معالجه و امثال آن بر زوج واجب است و اگر برای ادای واجبی چون حج باشد، تنها آن مقدار نفقه که در خانه می‌کرده بر او لازم است و دیگر مخارج بر عهده خود زوجه است. در نفقه زوجه، نیاز شرط نیست؛ ولی در نفقه اقارب می‌باید محتاج باشند (حسینی دشتی، ۱۳۷۹: ج ۱۰، ص ۱۸۴).

خداوند با بیان نقش مردان در محیط خانواده، به تبیین وظایف و مسئولیت‌های ویژه آنان می‌پردازد و می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ: مردان سرپرست و نگهبان زنان‌اند؛ به دلیل برتری‌هایی که خداوند [از نظر نظام اجتماع] برای بعضی دیگر قرار داده است و به دلیل انفاق‌هایی که از اموالشان در مورد زنان می‌کنند» (نساء: ۳۴). مراد از جمله «بما انفقوا» مهریه‌ای است که مردان به زنان می‌دهند و نفقه‌ای است که همواره به آنان می‌پردازند (موسوی، ۱۳۷۸: ج ۴، ص ۵۴۳).

یکی دیگر از منابع مالی زنان که به نوعی امنیت مالی آنان در جامعه محسوب می‌شود، پرداخت نفقه از سوی شوهر به همسر خویش است. طبق اتفاق نظر مذاهب اسلامی، نفقه برای رفع نیازهای سه‌گانه زن اعم از خوراک، پوشاک و مسکن واجب است و مقدار آن به قدر تمکن

زن و مرد تعیین می‌شود. شمار اندکی از فقیهان، مقدار نفقه را تنها در حدّ کفایت لازم می‌دانند (طباطبایی، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۱۶۶)؛ ولی بیشتر فقیهان، هماهنگی و سازواری هزینه زندگی زن را با شأن وی در نظر گرفته‌اند؛ از جمله محقق حلی (شرایع الاسلام، ج ۱۹، ص ۵۲۰)، علامه حلی (تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۴۷)، فخرالمحققین (ایضاح الفوائد، ج ۳، ص ۲۶۹)، شهید اول (لمعه، ص ۱۷۷)، شهید ثانی (شرح لمعه، ج ۵، ص ۴۶۹)، محقق سبزواری (کفایة الاحکام، ص ۱۹۵)، محقق بحرانی (حدایق الناضره، ج ۲۵، ص ۱۲۴) و صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۱، ص ۳۳۰) که این گروه با لفظ «عادة امثالها من اهل بلدها» میزان نفقه واجب را روشن کرده‌اند.

همچنین همه مذاهب اسلامی بر این مسئله اتفاق نظر دارند که نفقه بر زوجه‌ای واجب است که ناشزه نیست. طبق نظر فقیهان امامیه، نفقه بر زنی که در عده طلاق رجعی باشد، واجب است؛ پس زنی که در عده وطی شبهه یا در عده وفات باشد، نفقه ندارد (حسینی دشتی، ۱۳۷۹: ج ۸، ص ۱۲۹-۱۳۱). افزون بر مسائل واجب و حرام که هر مکلفی در انجام وظیفه خود نیاز به اذن و اجازه دیگری ندارد و زن نیز به اتفاق فقیهان نیازمند اذن شوهر نیست، در دیگر موارد بیشتر قائل به لزوم اطاعت زن از شوهر خویش هستند؛ از جمله بیرون رفتن زن از خانه که بیشتر فقیهان در این باره می‌فرمایند: زن باید از شوهر خویش اجازه بگیرد و برخی بیرون رفتن بدون اجازه شوهر را حرام و برخی از مصادیق نشوز دانسته و وجوب نفقه به زن را از طرف شوهر ساقط می‌دانند. صاحب جواهر قائل است اگر زن بدون اذن شوهرش به سفر مباح یا مستحبی برود، حتی اگر سفرش منافات با حق استمتاع شوهر نیز نداشته باشد، نفقه دادن او بر شوهرش واجب نیست؛ زیرا این کار از مصادیق نشوز است. همچنین وی قائل است «حتی خروج زن از منزل بدون اجازه شوهرش گرچه به مسافرت هم نرود، باعث سقوط نفقه می‌شود» (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۱، ص ۳۱۴).

نفقه شامل غذا، لباس، مسکن، نیازهای زندگی و حتی هزینه آرایش بر اساس شأن زن است؛ همچنین اگر زن به دلیل بیماری یا نقض عضو، به خدمتکار نیاز داشته باشد، بر مرد لازم است که برای او در صورت توانایی خدمتکاری فراهم کند. از جنبه حقوقی این مسئله که بگذریم، توسعه در زندگی و فراهم کردن رفاه خانواده و همسر، سبب رضایت پروردگار می‌گردد (حر عاملی، ۱۴۱۲: ص ۸۳). امام سجاد علیه السلام در این باره می‌فرماید: «ارضا کم عند الله اوسعکم علی عیاله: محبوب‌ترین شما نزد خداوند کسی است که بر عیال خود وسعت ایجاد کند (حر عاملی،

۱۴۱۲: ص ۱۳۲). به نظر می‌رسد که توجه به این حق، کانون خانواده را آرام و سالم می‌کند و سکون و تعالی را در زندگی پدید می‌آورد و فرصت بیشتری به زنان برای انجام وظایف طبیعی خود می‌دهد (صافی، ۱۴۱۶: ص ۴۴). بنابراین نفقه، حق زینت بخشیدن زن به آشیانه مرد و حقی است که به دنبال ازدواج و انجام وظایف خانوادگی بر عهده مرد و به نفع زن پیدا می‌شود (مطهری، ۱۳۹۶: ص ۳۵). تعبیر نفقه در آیات متعددی از قرآن آمده است؛ مانند آیه ۳۴ سوره «نساء» و آیات ۶-۷ «طلاق» که این کار را به مردان نسبت می‌دهد. بنابراین نفقه امتیازی است که هدف آن تأمین نیازمندی‌های عاطفی، اخلاقی و اقتصادی زن می‌باشد (قرآنی، ۱۳۹۷: ص ۶۵).

### ۳-۲. شیردهی

خداوند متعال می‌فرماید: «... فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ...» و اگر برای شما [نوزاد را] شیر می‌دهند، پاداش آنها را بپردازید» (طلاق: ۶). در این آیه به مردانی که زن خود را طلاق داده‌اند و کودک شیرخوار دارند و مادر کودک حاضر است به او شیر دهد، امر کرده است که اگر زنان به نوزادان شما شیر داده‌اند، مزد آنها را بدهید؛ یعنی اگر حاضر شدند نوزاد خود را شیر دهند، بر شما لازم است که اجرت شیردادنشان را بدهید؛ چون اجرت رضایت در حقیقت نفقه فرزند است که به گردن پدر است (طباطبایی، ۱۳۸۰: ج ۷، ص ۱۲۰). استدلال به این آیه بیان‌کننده این مسئله است که امر به پرداخت دستمزد شیر به زنان، افزون بر اصل مالکیت زن بر آن مال، بر استقلال وی در اداره آن نیز دلالت دارد. سپس در ادامه آیه می‌فرماید: «... وَإِنْ تَعَاَسَرْتُم فَسَرِّضْ لَهَا أُخْرَى: و اگر به توافق نرسیدید، زن دیگر شیردادن او را به عهده می‌گیرد» (طلاق: ۶). مفسران در معنای آیه گفته‌اند: اگر زن و مرد در شیردادن به کودک به توافق نرسیدند، به این صورت که یا زن حاضر نیست نوزاد را شیر بدهد یا اجرتی بیش از معمول می‌خواهد، بر پدر لازم است برای تغذیه نوزاد، دایه بگیرد تا نوزادش آسیب نبیند (طبرسی، [بی‌تا]: ج ۱۰، ص ۴۸). اینکه مادر است، درست است؛ اما شیردادن فرزند واجب نیست (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ج ۶، ص ۱۰۴).

دایگی و شیردادن به نوزادانی که مادرانشان شیر نداشتند یا از دنیا رفته بودند، در زمان‌های گذشته میان زنان معمول بوده است؛ چنان‌که حلیمه سعدیه و چند تن از زنان دیگر برای همین کار به مکه آمدند. دایه‌ها در برابر خدمتی که ارائه می‌کردند و به کودک شیر می‌دادند، مزد می‌گرفتند. قرآن کریم نه تنها از این کار نهی نمی‌کند و مزد در برابر این عمل را اکل مال به باطل

نمی‌داند، بلکه به پدران بچه‌ها امر می‌کند که اگر برای شیردادن با مادر نوزاد به توافق نرسیدید، دایه بگیرید (یوسفی غروی، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۲۲۲). بنابراین دایگی نیز می‌تواند یکی از اشتغال‌های ویژه زنان باشد که قرآن هم به آن اشاره کرده است.

#### ۴-۲. ارث

ارث در فرهنگ عرب جاهلی، برای کسی بود که بتواند به وقت کارزار، اسلحه به دست گیرد و در میدان نبرد حاضر شود و با دشمنان بجنگد. در این فرهنگ، اموال میت نصیب مردان فامیل می‌شد، گرچه از اقوام دور باشند؛ زیرا تنها مردان از عهده این مهم برمی‌آمدند؛ در نتیجه زنان و کودکان از ارث بهره‌ای نداشتند (طوسی، ۱۳۸۹: ج ۳، ص ۱۲۰). قرآن در چنین فضایی با قاطعیت تمام و با تصریح به «نساء» در برابر «رجال»، در جمله‌ای مستقل حکم ارث زن را در کنار حکم ارث مرد بیان می‌کند: «لِّلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا». برای مردان، آنچه از پدر و مادر و خویشاوندان از خود برجای می‌گذارند، سهمی است و برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان می‌گذارند، سهمی است؛ خواه آن مال کم باشد یا زیاد. این سهمی است تعیین شده و پرداختنی «نساء: ۷». لام در «النساء»، لام اختصاص است و دلالت دارد بر اینکه بخشی از اموال میت، سهم زن و مختص اوست. تصریح به «نساء» در برابر «رجال» و داخل کردن لام اختصاص بر هریک از آنها، از اهمیت این مسئله و حساسیتی حکایت دارد که مردم عصر نزول، درباره مالکیت زن بر ارث داشتند. قرآن کریم زنان را نیز مانند مردان، مالک بخشی از ارث دانست و با تشریح ارث زنان، بر فرهنگ بی‌اساس عرب جاهلی خط بطلان کشید و این تفاوت را از میان برداشت (طاهری‌نیا، ۱۳۸۹: ص ۲۲۵).

همه فقیهان شیعه و سنی بر این باورند که زنان نیز مانند مردان حق ارث دارند و در صورت فوت یکی از بستگان می‌توانند از اموال او ارث ببرند. این اصل بر اساس آیات قرآن کریم از جمله آیه پیش گفته استوار است. آیه پیش گفته به صراحت بیان می‌کند که هم مردان و هم زنان از اموال به‌جامانده از والدین و خویشاوندان، سهمی معین دارند. میزان سهم الارث زن در شرایط مختلف، متفاوت است و در قرآن کریم به طور دقیق مشخص شده است. اما به طور کلی و در بیشتر موارد، سهم الارث زن نصف سهم مرد است. این تفاوت به دلایل مختلفی از جمله

مسئولیت‌های مالی مرد در قبال خانواده توجیه شده است. برخی از مهم‌ترین موارد ارث زن عبارت‌اند از:

ارث زن از شوهر: اگر شوهر فوت کند، زن از اموال او ارث می‌برد. میزان سهم الارث زن از شوهر، با توجه به اینکه شوهر فرزند داشته باشد یا نه، متفاوت است؛ اگر شوهر فرزند داشته باشد، سهم الارث زن یک‌هشتم ( $\frac{1}{8}$ ) از اموال شوهر است. اگر شوهر فرزند نداشته باشد، سهم الارث زن یک‌چهارم ( $\frac{1}{4}$ ) از اموال شوهر است.

ارث زن از والدین: اگر پدر یا مادر فوت کنند، دختر از اموال آنها ارث می‌برد. میزان سهم الارث دختر، بسته به اینکه متوفی فرزند پسر داشته باشد یا نه، متفاوت است؛ اگر متوفی فرزند پسر داشته باشد، سهم الارث دختر نصف سهم الارث پسر است. اگر متوفی فرزند پسر نداشته باشد و فقط یک دختر داشته باشد، تمام اموال به دختر می‌رسد. اگر متوفی فرزند پسر نداشته باشد و چند دختر داشته باشد، دوسوم ( $\frac{2}{3}$ ) اموال به دختران می‌رسد که به طور مساوی بین آنها تقسیم می‌شود.

ارث زن از فرزند: اگر فرزند فوت کند، مادر از اموال او ارث می‌برد. میزان سهم الارث مادر از فرزند، بسته به اینکه متوفی خواهر و برادر داشته باشد یا نه، متفاوت است؛ اگر متوفی خواهر و برادر داشته باشد، سهم الارث مادر یک‌ششم ( $\frac{1}{6}$ ) از اموال فرزند است، اما اگر متوفی خواهر و برادر نداشته باشد، سهم الارث مادر یک‌سوم ( $\frac{1}{3}$ ) از اموال فرزند است.

موارد خاص ارث زن: در برخی موارد خاص، سهم الارث زن با سهم الارث مرد برابر است؛ برای مثال اگر متوفی فقط پدر و مادر داشته باشد، سهم الارث هر یک از آنها یک‌سوم ( $\frac{1}{3}$ ) از اموال متوفی است؛ همچنین در برخی موارد، زن می‌تواند تمام اموال متوفی را به ارث ببرد؛ برای مثال اگر متوفی فقط یک دختر داشته باشد و هیچ وارث دیگری نداشته باشد، تمام اموال به دختر می‌رسد.

اختلاف نظر فقیهان در برخی مسائل جزئی: در برخی مسائل جزئی مربوط به ارث زن، بین فقیهان اختلاف نظر وجود دارد؛ برای مثال در مورد ارث زن از اموال غیرمنقول (مانند زمین و ساختمان) بین فقیهان شیعه و سنی اختلاف نظر وجود دارد. فقیهان اهل سنت معتقدند زن از تمام اموال شوهر از جمله اموال غیرمنقول ارث می‌برد. فقیهان شیعه معتقدند زن از اموال غیرمنقول شوهر فقط در صورتی ارث می‌برد که شوهر فرزند داشته باشد. به طور کلی دیدگاه

فقیهان در خصوص ارث زن، بر اساس آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام استوار است و هدف آیات و روایات، حفظ حقوق و کرامت زنان و ایجاد جامعه‌ای عادلانه و برابر است. با وجود تفاوت در میزان سهم الارث زن و مرد در برخی موارد، فقیهان معتقدند که این تفاوت به دلیل تفاوت در مسئولیت‌های مالی آنهاست و نباید تبعیض علیه زنان دانسته شود (اسلامپور کریمی، ۱۳۸۳: شماره ۳۵).

### نتیجه

با تأمین شدن امنیت اقتصادی زن، آسایش و آرامش ایجاد می‌شود و زن در فعالیت‌های خود بهتر عمل می‌کند. از نظر قرآن، حقیقت وجود زن و مرد یکسان است. همچنین از دیدگاه اسلام، حقوق اقتصادی زنان به رسمیت شناخته شده است. از نظر اسلام، زنان از استقلال مالی برخوردار هستند و می‌توانند در مورد اموالی که با استفاده از آیات و روایات ثابت شد، جواز هرگونه تصرف در آنها را داشته باشند. در نتیجه با توجه به حقوقی که برای زنان در نظر گرفته شده است، می‌توانند در توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه به شیوه‌های مختلف ایفای نقش کنند. با توجه به اینکه شرع مقدس اسلام در همه ابعاد به صورت جامع و دقیق حدود و مرزها را برای انسان‌ها تشریع کرده است، حد و مرز وظایف یک مرد مسلمان در برابر نیازهای مادی همسرش را نیز تبیین نموده است. مرد از طریق پرداخت مهریه، نفقه و حقوقی که برای زن تعیین کرده است، می‌تواند آرامش زن را در تأمین اقتصاد مالی برای او تأمین کند.

### کتاب‌نامه

۱. ابن زکریا، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۲. آذربایجانی، مسعود، «اشتغال زن در اسلام»، فصلنامه زنان و خانواده، ش ۳، ۱۳۸۸ ش.
۳. اسلامپور کریمی، عسکری، «ارث زن و مرد در اسلام»، رواق اندیشه، ش ۳۵، ۱۳۸۳ ش.
۴. اعزازی، شهلا، جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۹ ش.
۵. بحرانی، یوسف بن احمد، الحقائق الناظره، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ ق.
۶. بوزان، باری، چارچوبی تازه برای امنیت، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۴۰۲ ش.
۷. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر قرآن، قم: اسراء، ۱۳۹۰ ش.

۸. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
۹. حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف، تهران: مؤسسه فرهنگی ارایه، ۱۳۷۹ ش.
۱۰. حلی، محمد بن حسن، ایضاح الفوائد، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۷ ش.
۱۱. خوانساری، احمد بن یوسف، جامع المدارک، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۵ ش.
۱۲. خوش‌فر، غلامرضا، «نقش امنیت در تحقق قانون‌گرایی در جامعه»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۴۳ - ۱۴۴، ۱۳۸۷ ش.
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۴ ش.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دار الشامیه، ۱۹۹۲ م.
۱۵. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، هدایة العباد، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۶ ق.
۱۶. طاهری‌نیا، احمد، حضور زن در عرصه‌های اجتماعی - اقتصادی از نگاه آیات و روایات، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹ ش.
۱۷. طباطبایی، سیدعلی، ریاض المسائل، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
۱۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، تهران: دار الکتب الاسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ترجمه: احمد بهشتی، تهران: فراهانی، [بی‌تا].
۲۰. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران: [بی‌نا]، ۱۳۶۰ ش.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد حبیب قیصر عاملی، [بی‌جا]: مکتب الاعلام، ۱۳۸۹ ش.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، محقق: مهدی محقق، [بی‌جا]: مؤسسه العلمی للمطبوعات، ۱۹۲۰ م.
۲۳. قرائتی، محسن، تفسیر نور، قم: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۹۷ ش.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶ ش.
۲۵. لویس، قدیر، خودآموز اقتصاد، ترجمه: فیروزه خلعتبری، تهران: شرکت شبانیز، ۱۳۶۶ ش.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، تهران: انتشارات مهام، ۱۳۷۹ ش.
۲۷. محقق، محمدباقر، حقوق مدنی زوجین، قم: بنیاد قرآن، ۱۳۶۰ ش.
۲۸. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: کبیر، ۱۳۶۳ ش.

۲۹. مغنیه، محمدجواد، الفقه علی المذاهب الخمسه، قم: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۲۹ ق.
۳۰. موسوی، محمدباقر، ترجمه تفسیر المیزان، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸ ش.
۳۱. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۹۶ ش.
۳۲. مؤمن، محمدباقر، کفایة الاحکام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۶ ش.
۳۳. نجاریان، بهمن، زن و حقوق، تهران: مسیر، ۱۳۷۵ ش.
۳۴. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۳۵. نظری، حسن، نظریه پردازی علمی اقتصاد اسلامی، تهران: سمت، ۱۳۹۶ ش.
۳۶. نوروزی خیابانی، مهدی، فرهنگ اصطلاحات سیاسی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۴ ش.
۳۷. ویلیامز، ریموند، فرهنگ و جامعه، موسوی و بیگی، تهران: نگاه، ۱۴۰۰ ش.
۳۸. یوسفی غروی، محمدهادی، تاریخ تحقیقی اسلام، ترجمه: حسین علی عربی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲ ش